

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

چریکهای فدائی خلق ایران
۰۲ مارچ ۲۰۱۸

کدام راه و کدام وظیفه اصلی؟!

نیروهای پیشتاز ، روشنفکران و کارگران انقلابی !

در این شکی نیست که سرزمین ما در یک شرایط ملتهب و بحرانی قرار گرفته است. خروش دلیرانه شما و سایر توده های به جان آمده ایران علیه مظالم نزدیک به چهل سال حکومت دار و شکنجه جمهوری اسلامی در خیابانهای بیش از ۱۰۰ شهر کشور ، خواب را از چشم دشمنان مردم ربوده و جوانه های امید به یک تغییر واقعی را در دل تمام ستمدیدگان رویانده است. همانطور که می دانیم دژخیمان حاکم با مشاهده قدرت تاریخی توده ها و هراس از سرنگونی خویش ، سراسیمه به میدان آمده و در مقابل مطالبات مردمی که خواهان حقوق انسانی خویش مثل نان و کار و آزادی و رهایی از زنجیر دیکتاتوری هستند ، نه تنها سینه های ستبر جوانان ما را آماج گلوله های خشم و نفرت خویش قرار داده اند ، بلکه با سد سرکوب و کشتار و بگیر و ببند و خلاصه با چنگ و دندان می کوشند سیل ویرانگر طغیان ستمکشان را متوقف سازند! برای نیل به این هدف ، ارتشی از دزدان و دژخیمان و روشنفکران اصلاح طلب حکومتی و غیر حکومتی گرفته تا جلاخان محافظه کار در حاکمیت ، به رهبری ولی فقیه جنایت پیشه نظام ، همه به خط شده اند تا کشتی پوسیده جمهوری اسلامی را این بار نیز از طغیان امواج دریای مردم به جان آمده به سلامت عبور داده و چند صبحی دیگر به حیات انگلی خویش ادامه دهند.

در مصاف بین حقیقت و تاریکی ، برای آن که در بارگاه تاریخ سرفراز بمانید ، باید تمام تلاش خود را برای انجام وظایفی که این دوره در مقابل شما به مثابه نقش آفرینان اصلی قرار داده ، به خرج دهید.

جلادان حاکم در طول ۳۹ سال گذشته ، عمدتاً به قدرت زور و اسلحه و سرکوب و اعمال یک دیکتاتوری عریان و حمایت اربابان جهانی شان ، بر صندلی قدرت تکیه زده اند. اساسی ترین درس جنبش های توده ای چند دهه اخیر و از جمله خیزش توده های مبارز در سال ۱۳۸۸ این است که تا ماشین سرکوب استعمارگران و ستمکاران یعنی نیروهای مسلح آن در کارند ، حکومت دزدان غارتگر و جنایتکار حاکم نیز برپا بوده و استثمار و سرکوب کارگران و زحمتکشان ، گورخوابی و فحشا ، کلیه روشی و کار کودک و سایر تجلیات مرگبار نظام سرمایه داری حاکم نیز پا بر جا خواهند ماند. در نتیجه برای پیروزی مبارزات فعلی که به درستی در اشکال گوناگون جریان دارد ، در اساس باید ستون فقرات این سیستم گندیده یعنی ماشین سرکوب آن را نشانه گرفت.

در این شرایط ، چشم امید تمامی نیروهای عدالتخواه و رزمندگان آزادی در تمام دنیا به شما جوانان پیشتاز و نیروی مبارزاتی و آگاهی و خلاقیت شما دوخته شده است. به شما جوانان پر شور و مبارزی که همراه توده های انقلابی با دلاوری ، ضمن حمله به مراکز ستم و سرکوب دولتی ، با شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "مرگ بر خامنه ای" ، "مرگ بر روحانی" ، "مرگ بر نظام" استعمارگرانه حاکم ، و فریاد "نان ، کار ، آزادی" ، ناقوس مرگ رژیم ضدخلقی و آزادی ستیز حاکم را به صدا در آورده اید. شما موتور این جنبش تاریخی هستید و آینده در دستان توانای شماست ؛ شمایانی که با سرنگونی جمهوری اسلامی ، خواهان کسب استقلال از همه قطب های امپریالیستی و پایه ریزی نظام دمکراتیکی می باشید که در آن فقر و بیکاری و بی خانمانی از بین رفته باشد ؛ جامعه ای که در آن ، دیگر مزد گورکن افزون تر از آزادی آدمی نباشد! در نتیجه باید برای انجام وظایف سخت و دشوار تاریخی ای که بر شانه های شما قرار گرفته ، آماده شوید!

این روزها ، یکی از سئوالات اصلی در میان جوانان مبارز و فعالین خیزش کنونی که مقامات رژیم با خشم فراوان آنها را "لیدر" های تظاهرات می نامند این است که برای ارتقاء سطح مبارزه کنونی چه باید کرد و کدام اقدامات عملی مشخص را باید انجام داد. هر چند پاسخ های واقعی به "چه باید کرد؟" در هر شرایط مشخص از دل خود واقعیات و در حال حاضر از دل مبارزه جاری که شما در آن حضور دارید بیرون می آیند و از این رو شناخت دائم واقعیت و حرکت از آن ، به پیمودن راه درست مبارزه کمک بزرگی می کند ، اما باید به یاد داشت که هیچ نیروی انقلابی بدون درس گرفتن از تجربیات و دست آوردهای مبارزاتی گذشتگان ، قادر به پیشروی نمی باشد. از این رو تلاش ما در اینجا آن است که بتوانیم اهم درس ها و تجربیاتی که به قیمت خون و رنج و تلاش های بی دریغ بهترین جوانان ایران به دست آمده اند را در اختیار شما قرار دهیم و امیدواریم در این بُرهه حساس از تاریخ ایران شما بتوانید از آن ها در جهت انجام وظایف مبارزاتی خود استفاده کنید.

اولین و اصلی ترین موضوعی که باید روی آن تأکید کرد و در شرایط کنونی به مثابه مهمترین وظیفه در اوضاع و احوال جاری در مقابل شما قرار دارد ، تلاش برای سازمان یابی و ایجاد تشکل با رعایت تمام اصول مخفی کاری می باشد. برای این کار در هر محلی که هستید سعی کنید با جوانان انقلابی و پیشرویی که آنها را در عمل می شناسید و آنها اغلب "لیدر" های خودجوش اعتراضات بوده اند ، ارتباط برقرار کنید. باید دانست که به طور کلی ، آموزش جوانان مبارز و کوشش در ایجاد محافل و تشکل های مبارزاتی ای که مخفیانه و بدور از چشم دشمن تشکیل می شوند ، یک ضرورت مبرم در شرایط کنونی ست.

در این رابطه نیروهای پیشتاز جامعه بطور مشخص باید از مبارزات گذشته مردم و به ویژه خیزش سال ۱۳۸۸ که خلاء رهبری و تشکل در آن ، راه را برای تسریع سرکوب و منحرف کردن آن توسط دشمن باز گذارده بود ، درس بگیرند و با تلاش برای تشکل و سازمانیابی ، خود را برای یک مبارزه طولانی مدت سازمان دهند.

رویدادهای خیزش انقلابی دی ماه و عملکردها یا به عبارت صحیح تر کنش و واکنش هائی که امروز بین توده های تحت ستم ایران و رژیم جمهوری اسلامی به مثابه حافظ منافع سرمایه داران خارجی و داخلی در ایران وجود دارند ، بیانگر مبارزه طبقاتی بسیار شدید و حاد در جامعه می باشند. این در حقیقت جنگی است بین استعمارگران حاکم با توده های تحت ستم. در این جنگ ، دشمنان مردم با اعمال هر گونه ددمنشی و جنایتی برای حفظ شرایط ستمگرانه موجود ، از کشتار در خیابان ها گرفته تا قتل جوانان با اعمال شکنجه در زندان ها و با ایجاد رعب و وحشت ، می کوشند محرومینی که برای گسستن زنجیرهای زندگی برده وار کنونی بر پا خاسته اند را از صحنه مبارزه حذف و خارج کنند. بدون شک در این جنگ نابرابر نمی توان بدون داشتن تشکل و داشتن ابزار جنگ یعنی سلاح در مقابل دژخیمان حاکم

پیروز شد. در نتیجه اصلی ترین وظیفه جوانان انقلابی ما این است که باید با استفاده از شرایط کنونی در هر جایی که می توانند خود را متشکل کنند. آنها تنها با این تشکل های انقلابی - که در شرایط سلطه دیکتاتوری در ایران نمی توانند تشکل های سیاسی - نظامی نباشند - قادرند در این جنگ تحمیل شده از سوی دشمنی که زبانی جز زور نمی فهمد ، به طور کاملاً مؤثر نقش ایفاء کنند.

تمامی تلاش جمهوری اسلامی و پلیس سیاسی آن در طول ۳۹ سال گذشته و بویژه پس از سرکوب وحشیانه توده های مبارز و قتل عام نسلی از انقلابیون و مبارزین در دهه ۶۰ ، با هدف ممانعت از بوجود آمدن یک تشکل و سازمان انقلابی در جامعه بوده است. چرا که دشمن نیز ، نظیر خود شما اهمیت امر تشکل و سازمان در مبارزه را می داند و سعی می کند که هر گونه تلاش مردم برای ایجاد تشکیلات مبارزاتی را در نطفه خفه کند. در نتیجه برای مقابله مؤثر با رژیم تبهکار جمهوری اسلامی ، جوانان آگاه و پیشتاز ما باید از همین امروز و در شرایط کنونی که بستر مناسبی ست به اقدامات لازم برای بوجود آوردن تشکل های مبارزاتی مخفی در بین خود اقدام کنند. در این رابطه مطالعه تجارب دیگر جنبش ها و تجارب مبارزین نسل های گذشته و بویژه تجارب به جا مانده از مبارزین دهه پنجاه ضروری ست که در خفقان بار ترین شرایط با اتکاء به سلاح و انجام مبارزه مسلحانه علیه دشمن توانستند خود را سازمان دهند. به خصوص تجربه کمونیست های فدائی آموختنی است که با تکیه بر سلاح موفق به ایجاد یک تشکیلات محکم کمونیستی در جامعه شدند که در مقابل حکومت قدر قدرت شاه ایستاد و در یک پروسه با جلب حمایت توده های محروم به سازمانی توده ای بدل شد.

چه نوع مبارزه ای پاسخگوی شرایط کنونی ست؟

این روز ها طیف متنوعی از نیروها ، از دولتمردان جلاد حاکم گرفته تا روشنفکران وابسته به آنها با مشاهده اعمال دلیرانه شما در خیابانها ، با آه و ناله و خشم در باب مضرات "خشونت" سخن سرایی کرده و توده های انقلابی ایران را زیر نام "آشوبگر" تهدید می کنند. عریبه های مذمت "خشونت" و تقبیح خشونت عادلانه و اعمال قهر انقلابی توده ها در شرایطی سرداده می شود که گلوله های آتشین نیروهای خودفروخته و سرکوبگر همین مدافعان "مسالمت" و "حقوق شهروندی" در برخی از شهرها از جمله در درود و قهدریجان و ... جان ارزشمند ده ها تن از جگر گوشگان و جوانان غیور این سرزمین را گرفت و امروز با بگیر و ببند و با قتل هائی که در زندان به راه انداخته اند ، کارنامه خونبار ۳۹ ساله خود را هر چه ننگین تر ساخته اند. دشمن با ارتکاب به چنین جنایاتی ، به واقع در صدد خاموش کردن آتش خشم له شدگان این جامعه که در مقابل و در مصاف با مزدوران سرکوبگر و تا بن دندان مسلح خویش به پا خاسته اند ، می باشد. برخی از اینها که ادعای مخالفت با رژیم هم دارند با هر نیتی هم که شعار "عدم خشونت" و "مسالمت" طبقه حاکم را تکرار می کنند ، در تجربه خود بخوبی می دانند که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اساساً با اعمال خشونت و قهر زنده است و در مقابل دشمنان خویش یعنی مردم ستمدیده و حق طلب ، به هیچ آشتی و مسالمت و صلحی رضایت نخواهد داد و وقتی هم به درخواست های منادیان مغرض و یا نادان طرفدار روشهای صرفاً مسالمت آمیز مبارزه نگذاشته و نخواهد گذارد. در نتیجه کار این عده با سردادن شعار مبارزه به شکل "نافرمانی مدنی" و "مسالمت آمیز" برای رسیدن به خواست هایتان چیزی جز این نیست که مطابق آن ضرب المثل معروف "سنگ را بسته و در عوض سگ را رها می کنند" تا شما را بهتر بدرد!

به زوزه های شوم مبلغان استثمارگر و فریب خورده آنها مبنی بر "عدم خشونت" نباید کمترین وقعی نهاد. حتماً شما به یاد دارید که یکی از بزرگترین تجارب جنبش توده ای سال ۱۳۸۸ این بود که در واکنش به وجود میلیونها معترض

خیابانی که به مارش مسالمت آمیز و تظاهرات سکوت ، دعوت شده بودند ، این جمهوری اسلامی بود که با نمایش یکی از بیش‌رمانه ترین و وحشیانه ترین سرکوب های خود ، تظاهر کنندگان دست خالی را به خاک و خون کشید. دژخیمان همین رژیم در لباس فرم و یا در لباس شخصی بودند که علاوه بر شلیک گلوله به صفوف مردم بی دفاع ، با چاقو و قمه و شمشیر به جان خواهران و برادران ما افتادند و با ماشین از روی تظاهر کنندگان رد شدند و هزاران تن را به زیر دستگاه شکنجه و اعدام خویش بردند و سرانجام تنها با اعمال چنین اعمال سبوعانه ای قادر به سرکوب موقت آن خیزش عظیم شدند. بعد از فارغ شدن از به کارگیری قهر و خشونت وحشیانه در خیابان هم ، در عرصه تبلیغاتی و فضای مجازی ، دژخیمان و شکنجه گران دیروز که در شرایط جدید لباس "اصلاح طلبی" به تن کرده بودند را به جان جامعه انداختند تا بار دیگر در مزایای تلاش برای تغییر رفتار دیکتاتوری حاکم از طُرُق مسالمت آمیز (و امروز با تقاضای رفراندوم) فریبکاری کنند.

بسیاری از شما ها که در جنبش سال ۱۳۸۸ حضور داشتید ، به طور عینی درک کرده و فریاد می زدید که "دست ما خالی بود" ، "اگر ما سلاح داشتیم" شاید سرنوشت آن خیزش عظیم دلاورانه چیز دیگری می شد. اکنون درست با اتکاء به همان تجربه و کلا تجارب مبارزات چند دهه اخیر مردم ما ، باید ضمن پاسخ به ضروریاتی که واقعیات مبارزه می طلبند ، مبارزه جاری را با شیوه های منطبق بر واقعیت به پیش برد و حداکثر پتانسیل تاریخ ساز این جنبش را متبادر نمود. باید همواره به یاد داشت که قهر ضد انقلابی را تنها می توان با قهر انقلابی مُستحیل کرد و برانداخت.

این حقیقتی ست انکار ناپذیر که شیوه مبارزه را دشمن بر مردم تحمیل می کند. جمهوری اسلامی نشان داده که اساسا زبانی جز زبان گلوله و دار و شکنجه نمی شناسد و در مقابل هر گونه دادخواهی و مطالبات بر حق مردم هر چقدر هم مسالمت آمیز بیان کردند ، به ابزاری جز سرکوب و اعمال قهر ضد انقلابی دست نمی یازد. در دوران شاه نیز چنین بود ، بعد از این هم اگر نظام سرمایه داری وابسته ایران که دیکتاتوری عریان روبنای ذاتی و لازمه حیات آن است ، همچنان باقی بماند ، چنین خواهد بود ؛ و هر حکومتی روی کار آید ، هر چقدر هم ادعاهای دموکراتیکی داشته باشد ، خواهد کوشید با اتکاء به قهر و اعمال دیکتاتوری عریان ، زنجیرهای اسارت بر دست و پای توده ها را حفظ و محکم تر سازد. برای ندادن چنین موقعیتی به دست دشمن باید مسلح شد و با سلاح از انقلاب خود برای بوجود آوردن یک نظام دمکراتیک مردمی دفاع کرد.

واقعیت این است که در نیردی که در خیابان های شهرها و حتی در روستاهای کشور ما بین انقلاب و ضد انقلاب و ایادی رنگارنگش آشکارا جریان یافت ، دشمن تا آنجا که توانست از امکانات خود یعنی زور آشکار و سرنیزه و آفریدن صحنه های فاجعه بار کشتار و سرکوب توده ها ، استفاده کرد و به واقع علیه آنها جنگید. در نتیجه سئوالی که برای جوانان مبارز و توده های به پا خاسته باید به طور طبیعی مطرح باشد این است که چگونه می توانند خود را به عنوان طرف دیگر این جنگ ، نیرومند و قوی سازند و با انجام چه رشته اقدامات جنگی ای می توانند توازن قوای کنونی را بر هم زده و موقعیتی را بوجود بیاورند که وسیعترین توده ها را جلب این مبارزه کرده و شرایط بسیج و سازماندهی آنها را بوجود بیاورند؟

در پاسخ به این سئوالات ، با تأکید بر این که باید از هر امکان و وسیله برای مبارزه با جمهوری اسلامی سود جست و با هر شکل از مبارزه که امکان پذیر است باید به مصاف این رژیم رفت ولی تا آنجا که بحث بر سر انجام کاری اساسی و وظیفه اصلی جوانان پیشرو و انقلابی ایران می باشد ، این جوانان باید امر متشکل کردن خود به عنوان یک جریان سیاسی - نظامی را یک ضرورت به حساب بیاورند و در مسیر تحقق آن حرکت کنند. این تشکل ها می توانند در هر نقطه ای از ایران به وجود بیایند و باید از یک طرف در جهت تعلیم و آموزش سیاسی خود و توده های انقلابی حرکت

کنند و از طرف دیگر تعرض نظامی به دشمن و آسیب رساندن به ماشین سرکوب او را هدف خود قرار دهند. امروز دیگر بر خلاف دهه چهل بحث بر سر نشان دادن راه اصلی مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه به توده ها نیست. بحث "تبلیغ مسلحانه" هم در میان نیست. توده های ما امروز با توسل به قهر انقلابی نشان می دهند که راه درست و اصلی مبارزه برای در هم کوبیدن قدرت استثمارگران و ستمکاران را به خوبی می شناسند. آنها با حمله به فرمانداری ها و پاسگاه ها و کلانتری ها و دیگر مراکز ستم و سرکوب و اعمال انقلابی دیگر به کارگران و روشنفکران انقلابی و پیشرو جامعه که وظیفه پیشبرد و هدایت مبارزه توده ها را به عهده دارند، ندا می دهند که ما، هم راه مبارزه اصلی برای رسیدن به خواسته های انقلابی و برحق خود را می شناسیم و هم عملاً به این مبارزه دست یازیده ایم. پس امروز آنچه مطرح است سازماندهی این نیروها جهت مقابله با نیروهای سرکوب می باشد؛ و به عبارت دیگر امروز جنبه نظامی مبارزه مسلحانه به صورت برجسته مطرح است.

تردیدی نیست که مبارزه مسلحانه نیروهای پیشتاز دارای جنبه سیاسی و تبلیغی است و نیز در خدمت تقویت روحیه مبارزاتی توده ها قرار دارد. ولی هدف مبارزه امروز نمی تواند صرفاً در این حوزه ها محدود شود بلکه باید تلاش نمود پا به عرصه بسیج و سازماندهی مسلح توده ها گذاشت و با قدرت آنها مراکز نظامی دشمن را مورد حمله قرار داد؛ و پروسه ای را آغاز کرد که به تدریج منجر به تقویت نیروی نظامی توده ها و نتیجتاً تضعیف قدرت دشمن گردد. در این پروسه است که نیروهای پیشرویی که به مارکسیسم - لنینیسم مجهزند خواهند توانست خود را به یک نیروی پیشاهنگ و دارای قدرت تبدیل نموده و به توده های مردم بشناسانند و در عین حال زمینه ارتباط خود با طبقه کارگر را به وجود بیاورند. وحدت این نیروهای سیاسی - نظامی هم در چنین پروسه ای حاصل می شود.

اگر به ابعاد قیام های شهری اخیر و حملات قهر آمیز توده ها به مراکز مختلف ستم و سرکوب و وسعت درگیری آنها با نیروهای مسلح رژیم در سراسر ایران توجه کنیم، خواهیم دید که مردم انقلابی ایران با دشمنان خود (که در هر فرم و هیئتی ظاهر شوند در تحلیل طبقاتی همانا نمایندگان و پیشبرندگان منافع سرمایه داران خارجی و داخلی حاکم بر ایران هستند)، به چنان نبرد قهرمانانه ای پرداختند که در تاریخ معاصر ایران بی سابقه می باشد. این شکل از مبارزه قهرآمیز توده ها در شهرهای مختلف کشور به طور همزمان، حتی در کل خاورمیانه نیز تجربه جدیدی است و از این رو برای توده های تحت ستم منطقه نیز حاوی تجربه های بسیار با ارزشی می باشد. حال اگر این قیام های شهری شکوهمند و حمله به مراکز سرکوب جمهوری اسلامی در نقاط مختلف کشور را با آنچه در قیام بهمن ۱۳۵۷ که مدت آن تنها دو روز و آنهم اساساً در تهران بود (پس از قیام بهمن و اعلام به ظاهر پیروزی آن، البته در سراسر ایران و در همه جا توده ها به مراکز سرکوب و دژهای نظامی رژیم شاه حمله کردند)، مقایسه کنیم خواهیم دید که ما با شرایط کاملاً جدیدی روبرو هستیم. خواهیم دید که توده های ما در حالی که به عملیات قهر آمیز بس متهورانه و جسارت آمیز دست می زنند و سعی در مسلح کردن خود دارند، نشان می دهند که انبانی از تجربیات خونین گذشته را با خود حمل می کنند، و در پرتو آن تجربیات می دانند که اگر راه نجاتی از جهنم وحشتناکی که دشمنان شان برای آنها به وجود آورده اند وجود داشته باشد، آن راه همانا جنگ مسلحانه است. جنگ با دشمن سرا پا مسلح که جز با مشت آهنین و زبان زور با مردم سخن نمی گوید، جنگ با دشمنی وحشی و بی رحم که تنها با زور سازمان یافته و ارتکاب به شنیع ترین جنایات در حق وسیعترین توده ها، قادر به تحمیل سلطه خود بر جامعه شده است.

از طرف دیگر، مردم ما تجربه قیام بهمن را با خود حمل می کنند. در آن زمان (پیش از آن قیام) امپریالیستها با کمک سرمایه داران وابسته داخلی ایران، زمینه را برای انتقال قدرت از رژیم شاه به دار و دسته خمینی آماده کرده بودند (به طوری که اگر قیام بهمن هم صورت نمی گرفت، انتقال به صورت مسالمت آمیز انجام می شد). و مردم ما می دانند

که آن قدرتها توانستند جهت به شکست کشاندن انقلاب مردم ، با تاکتیکی محیلاًنه ، توده ها را فریب دهند و سلطه خود را همچنان در ایران حفظ کنند. تجربه قیام بهمن بیانگر آن است که دشمنان مردم ما یعنی همان سرمایه داران داخلی و خارجی ، این انگل ها و مفتخورها که خود را صاحب اصلی همه ثروت های سرزمین ما می دانند ، ممکن است باز دست به دسیسه مشابه یا دسیسه دیگری علیه مردم ما بزنند. اگر قرار به تکرار تجربه پیشین باشد آنها می توانند با تغییراتی در ظاهر و شکل حاکمیت ، وضعیت طاقت فرسای کنونی را چه به لحاظ اقتصادی (یعنی تداوم فقر و مصیبت و بدبختی کنونی) و چه به لحاظ سیاسی ، (با آزادی کشی و سیطره شرایط رعب و وحشت و خفقان در جامعه) ، باز بر کارگران و زحمتکشان و همه توده های دربند ایران تحمیل کنند. پس چه باید کرد؟ آیا به خاطر چنین احتمالی می بایست از مبارزه و انقلاب علیه جمهوری اسلامی دست کشید؟ مسلم است که پاسخ منفی می باشد. واقعیت این است که تشدید مبارزات انقلابی توده ها و موفقیت آنها در سرنگون ساختن جمهوری اسلامی ، موفقیت بسیار بزرگی می باشد و حاکی از آن است که جامعه ایران امکان رهائی از گند و کثافات و تعفن ناشی از وجود ناپاک یک حکومت دینی مدافع سرمایه داری و سلطه آن بر شئون مختلف جامعه را خواهد یافت. اما مسأله اساسی این است که توده های انقلابی ایران از همین امروز چه کار می توانند بکنند ، چه سیاستی باید برگزینند و چه راهی را باید طی کنند که پس از سرنگونی رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی ، یک رژیم ضد خلقی و جنایتکار دیگری با شکل و شمیلی دیگر نتواند جای این رژیم را بگیرد؟ آیا برای رسیدن به آزادی و تحقق شعار نان ، کار ، مسکن ، آزادی و رهائی از سلطه قدرت های خارجی یعنی استقلال از امپریالیستها ، راهی هست؟ و کلاً ، آیا می توان راهی را در پیش گرفت که در مقابله با هر گونه دسیسه ای که به خصوص قدرت های خارجی ممکن است برای حفظ وضع نکبت بار کنونی علیه مردم به کار گیرند ، کارساز باشد؟ و آیا می توان امیدوار بود که اهداف و آرمان های طبقه کارگر و دیگر توده های انقلابی ایران با پیمودن آن راه متحقق شود؟ با اتکاء به تجربیاتی که انقلابات معاصر در نقاط مختلف جهان به جای گذاشته اند و حتی تجربه های مبارزه سرزمین خودمان پس از تشکیل چریکهای فدائی خلق و آغاز مبارزه مسلحانه در ایران ، و همچنین بر اساس تحلیل از شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران ، می توان در پاسخ گفت ، آری چنین راهی وجود دارد. راهی که از آن باید به عنوان راه انقلاب ایران که راهی طولانی و پر فراز و نشیب می باشد نام برد. راهی که گام مهمش در شرایط کنونی با انجام تلاش های انقلابی برای سرنگونی رژیم منفور جمهوری اسلامی طی می شود ، راه واقعی رسیدن به آزادی و رهائی از سلطه سرمایه داران و هر گونه نفوذ امپریالیستها در ایران.

تشکل "چریکهای فدائی خلق" که به مثابه یک جریان مارکسیست - لنینیست به اردوی جهانی طبقه کارگر تعلق دارد ، در گذشته ، بن بستى که بر سر راه پیشرفت مبارزه در جامعه ایجاد شده بود را در هم شکست و راهگشائی نمود ؛ و توانست هم در تئوری و هم در عمل به سردرگمی هائی که در رابطه با راه انقلاب در ایران وجود داشت ، پایان دهد. بالطبع ، اکنون این بحث مطرح نیست که اپورتونیزم (به مفهوم نفوذ ایده های بورژوائی و خرده بورژوائی در جنبش کمونیستی) چه نقشی در به انحراف بردن این تشکل کمونیستی ایفاء کرد و چگونه با سایه سیاه و سنگین خود تئوری انقلابی اولیه آن را از دیده ها پنهان نمود ؛ و این هم مطرح نیست که اکنون نیروهای اپورتونیزم با چه سر سختی ای در مقابل ایده ها و تعالیم ظفرنمون آن مقاومت می کنند! اما در حال حاضر این موضوع غیر قابل انکار باید در مرکز توجه قرار بگیرد که اگر دهه پنجاه ، دهه ای شکوهمند و پر افتخار در تاریخ مبارزاتی مردم ایران محسوب می شود ، تاریخ غرور آفرین آن دهه در پرتو تئوری انقلابی چریکهای فدائی خلق و توسط همه انقلابیون مسلح جان بر کف ایران ساخته شد. به همین خاطر بود که در مقطع سال ۱۳۵۷ ، توده ها حتی در دورافتاده ترین روستا ها به سوی سازمانی که به این اسم فعالیت می کرد (هر چند دیگر همان تشکل چریکهای فدائی خلق نبود) ، روی آوردند. بنابراین درس

گیری از تجربیات مبارزاتی چریکهای فدائی خلق و بالاخص کوشش در شناخت و فهم تئوری منسجم و انقلابی ای که چریکها بر پایه آن تشکل خود را سازمان دادند ، وظیفه تخطی ناپذیر هر مبارز انقلابی ، به ویژه و با تأکید در شرایط کنونی است.

به این نکته هم باید اشاره کرد که اگر چه این درست است که انکشاف هر چه بیشتر سرمایه داری وابسته در جامعه ایران با تبعات و تأثیراتش در حوزه های مختلف اقتصادی و اجتماعی ، از زوایای زیادی جامعه امروز را با زمانی که تئوری انقلاب ایران تدوین شد ، متفاوت ساخته است ، اما باید در نظر داشت که آن تئوری درست در رابطه با چگونگی نابودی سیستم سرمایه داری وابسته در ایران تدوین گشته است ، تئوری ای که راه جایگزین کردن یک سیستم اقتصادی - اجتماعی نوین به جای این سیستم ظالمانه و چگونگی کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر در رأس توده های انقلابی تحت ستم ایران را معلوم ساخته و نشان می دهد. بنابراین ، به دلیل کماکان بر قرار بودن سیستم سرمایه داری وابسته در ایران و استمرار عوامل پایداری که تئوری انقلاب ایران ، تئوری مبارزه مسلحانه بر اساس آنها تدوین گشته ، امروز هم این تئوری طراوت خود را همچنان حفظ نموده و کهنه نگشته است. در دهه چهل که این تئوری تدوین شد ، چریکها به لحاظ تاکتیکی اولین کار خود را کشاندن توده ها به صحنه مبارزه و نشان دادن راه درست مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه به توده ها قرار دادند. امروز همانطور که در بالا شرحش رفت چنین امری متحقق شده است. در نتیجه امروز مسأله باید بر سر تحقق خط استراتژیکی تئوری مبارزه مسلحانه ، تئوری چریکهای فدائی خلق یا همان تئوری انقلاب ایران باشد که نیازمند به کارگیری تاکتیک هائی با اهدافی جدید و منطبق با شرایط کنونی است. در این تردیدی نیست که شرط پیروزی بر دشمن بی رحم و سراپا مسلح تنها در گرو مسلح شدن و انجام مبارزه مسلحانه می باشد و در حال حاضر به کارگیری اقدامات عملی مشخص را تنها با شناخت دقیق شرایط و امکانات موجود می توان تعیین نمود. اما این موضوع مشخص است که نیروهای انقلابی باید تمرکز را روی به کارگیری تاکتیک هائی قرار دهند که چه با ایجاد رعب و وحشت در میان وابستگان به رژیم و در نتیجه بالا بردن روحیه انقلابی توده ها و چه با وارد کردن ضربه به نیروها و مراکز نظامی دشمن ، توده های هر چه بیشتری را به طرف مبارزه مسلحانه جلب کرده و با سازماندهی و قدرت آنان ، کار انقلاب را به پیش ببرند.

بر اساس تئوری چریکهای فدائی خلق ، برای نابودی سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران و گشودن راه برای کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر ، نیروهای پیشرو جامعه باید با بسیج و سازماندهی مسلح توده ها ، مبارزه مسلحانه را با چشم انداز ایجاد مناطق آزاد (نظیر آنچه پس از قیام بهمن در گُردستان به وجود آمد و بیشک تحت یک رهبری انقلابی - به جای سازمانهای اپورتونیست موجود در آن زمان - در مناطق دیگر ایران نیز به وجود می آمدند یا با سنگر قرار دادن گُردستان و کشاندن مبارزه مسلحانه به دیگر مناطق می توانست به وجود آیند) دنبال کنند. واقعیت این است که کسب قدرت سیاسی توسط نیروهای مردمی با رهبری طبقه کارگر و انجام یک انقلاب اجتماعی که در جامعه ما تنها با خلع ید کامل از بورژوازی (یا همان سرمایه داران داخلی و خارجی) ممکن است ، تنها و تنها از طریق در هم شکستن ستون فقرات ارتجاع حاکم که همان ارتش و ضامن آن می باشد ، امکان پذیر است. این قانون عام همه انقلابات اجتماعی می باشد که تنها با در هم شکستن نیروی نظامی ای که قدرت سیاسی مفروض بر آن تکیه زده امکان کسب قدرت سیاسی وجود دارد. ویژه گی جامعه ما این است که در هم شکستن ارتش ضد خلقی ، تنها با ارتش خلقی امکان پذیر است ، امری که در روند ایجاد تشکل های سیاسی - نظامی توسط نیروهای انقلابی پیشرو و موفقیت آن ها در بسیج و سازماندهی مسلح توده ها ، در چشم انداز مبارزه مسلحانه توده ای قرار خواهد گرفت. تئوری انقلاب ایران به طور کامل در کتاب "مبارزه مسلحانه ، هم استراتژی ، هم تاکتیک" از رفیق مسعود احمدزاده و "ضرورت مبارزه

مسلحانه و ردّ تئوری بقاء" نوشته رفیق امیرپرویز پویان مطرح گشته و در برخی از نوشته های رفقای ما نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و مسایل درونی آن شکافته شده اند. (*)

نیروهای جوان و پیشتاز ایران ، روشنفکران و کارگران انقلابی !

اگر بخواهید که وظایف فوری خویش در قبال جنبش توده های به پاخاسته را در خلاصه ترین شکل بیان کرده باشید ، باید شعار "تشکل ، تسلیح ، اتحاد ، مبارزه ، پیروزی !" را بر پرچم خود بنویسید و گام به گام در جهت تحقق آن با رعایت کامل اصول مخفی کاری حرکت کنید. شکی نیست که در اینجا بحث بر سر وظایف اصلی است والا واضح است که باید از همه اشکال مبارزه سود جست و توده ها را تشویق به انجام هر کار کوچک یا بزرگی که قادر به انجام آن علیه دشمن هستند - از شعار نویسی گرفته تا اقدام به تجمعات اعتراضی ، انجام اعتصابات کوچک یا گسترده - تشویق نمود. جنبش انقلابی دلاورانه کنونی مردم ما هر سرنوشتی که پیدا کند ، با توجه به تأثیرات و تجارب انقلابی اش ، به عنوان یک نقطه عطف بزرگ تاریخی در مبارزه بین استثمار شوندهگان و هیچ بودگان با استثمارگران و ظالمان مطرح است و این صفحه غرور برانگیز تاریخ سرزمین ما با تلاش های غرور آفرین مبارزاتی شما علیه دشمن تزئین خواهد شد. از فضای مبارزاتی ایجاد شده در این نقطه عطف استفاده کنید و آن را با اعمال رادیکال و انقلابی خود ارتقاء دهید. از درسهای گذشته به عنوان چراغ راه آینده بیاموزید و تجارب دیروز را در میادین نبرد امروز به کار گیرید. ضمن تلاش برای پیشروی و پیروزی در این مرحله از مبارزات جاری ، خود را برای نبردهای بزرگتر و سرنوشت ساز آینده آماده و مسلح کنید !

جمهوری اسلامی ، با هر جناح و دسته ، نابود باید گردد !

نه به رژیم چنج ، نه به انقلاب مخملی !

زنده باد مبارزه مسلحانه ، زنده باد انقلاب !

نابود باد نظام سرمایه داری ، نابود باد سلطه امپریالیسم در ایران !

(*) این نوشته ها را می توانید در لینک های زیر بخوانید:

مبارزه مسلحانه ، هم استراتژی ، هم تاکتیک (نوشته رفیق مسعود احمدزاده)

<http://www.siahkal.com/publication/RMassoud-HTM-PDF.htm>

ضرورت مبارزه مسلحانه و ردّ تئوری بقاء (نوشته رفیق امیرپرویز پویان)

<http://www.siahkal.com/publication/pouyan.htm>

برای آشنائی بیشتر با سایر انتشارات چریکهای فدائی خلق ایران از صفحه زیر دیدن کنید:

<http://www.siahkal.com/publication.htm>

چریکهای فدائی خلق ایران- دی ماه [جدی] ۱۳۹۶